

ملحق رقم (۵)

پیوست ۵

قصه عیسی و کیف شبیه لهم (۱)

داستان عیسی و اینکه چگونه برای آنان مُشْتَبِه شد؟ (۲)

سؤال / ۱۷۹: ما هي قصة عيسى ع ؟ وكيف شبه لهم بقوله تعالى: ﴿وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا﴾ [النساء: ۱۵۷] ؟

پرسش ۱۷۹: داستان حضرت عیسی ع چیست و چگونه طبق فرمایش حق تعالی بر آنان مُشْتَبِه شد؟ ((و نیز به آن سبب که گفتند: ما مسیح پسر مریم فرستاده‌ی خدا را کشتیم؛ و حال آنکه آنان مسیح را نکشتند و بر دار نکردند بلکه امر بر ایشان مُشْتَبِه شد. هر آینه آنان که درباره‌ی او اختلاف می‌کردند، خود در تردید بودند و به آن یقین نداشتند جز آنکه تنها پیرو گمان خود بودند و عیسی را به یقین نکشته بودند)) (۳).

(الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم)

1. هذا الملحق مأخوذ من كتاب (المتشابهات - الجزء الرابع) للسيد أحمد الحسن.

2- این پیوست از کتاب «متشابهات - جلد ۴» سید احمد الحسن برگرفته شده است.

3- نسا: ۱۵۷.

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة
والمهديين.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و
المهديين و سلم تسليما.

عيسى ع في الليلة التي رفع فيها واعد حواريه، فحضروا
عنده إلا يهوذا الذي دل علماء اليهود على عيسى ع، فقد ذهب
إلى المرجع الأعلى لليهود، وقايعه على تسليم عيسى ع لهم.

حضرت عيسى ع در شبى كه بالا برده شد، با حواريون خود وعدهى ديدار
گذاشت. همه به جز يهودا كه علمای يهود را به مكان عيسى ع هدايت كرد
در پيشگاه او حاضر شدند. يهودا به سراغ مرجع اعلاى يهود رفت و بر سر
تسليم كردن عيسى ع به آنان، با او معامله نمود.

وكان بعد منتصف الليل أن نام الحواريون، وبقي عيسى ع،
فرغه الله، وأنزل (شبيهه الذي صلب وقتل)، فكان درعاً له وفداءً،
وهذا الشبيه هو من الأوصياء من آل محمد ﷺ، صُلب وقُتل
وتحمّل العذاب لأجل قضية الإمام المهدي ع.

پس از نیمه شب كه حواريون خوابیدند و حضرت عيسى ع باقى ماند،
خداوند او را مرفوع نمود (بالا برد) و شبیه او را كه به دار آویخته و كشته شد،
فرو فرستاد. او سپر و فدایی عيسى ع شد و این شبیه، از اوصیا از آل محمد
ع مى باشد؛ او به خاطر قضیه ی امام مهدی ع، مصلوب و كشته شد و عذاب
را به جان خرید.

وعيسى ع لم يصلب ولم يقتل، بل رُفِعَ فنجاه الله من أيدي
اليهود وعلمائهم الضالين المضلين (لعنهم الله)، قال تعالى:

﴿وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ﴾.

حضرت عیسی ع به دار کشیده نشد و کشته نشد بلکه بالا برده (رفع) شد و خداوند او را از دست یهود و علمای گمراه و گمراه‌کننده‌شان که خداوند لعنتشان کند، نجات داد. حق تعالی می‌فرماید: ((و نیز به آن سبب که گفتند: ما مسیح پسر مریم فرستاده‌ی خدا را کشتیم؛ و حال آنکه آنان مسیح را نکشتند و بر دار نکردند بلکه امر بر ایشان مشتبه شد. هر آینه آنان که دربارهی او اختلاف می‌کردند، خود در تردید بودند و به آن یقین نداشتند جز آنکه تنها پیرو گمان خود بودند و عیسی را به یقین نکشته بودند)).

وفي الرواية في تفسير علي بن إبراهيم عن أبي جعفر ع، قال: (إنَّ عيسى ع وعد أصحابه ليلة رفعه الله إليه فاجتمعوا عند المساء، وهم اثنا عشر رجلاً فأدخلهم بيتاً ثم خرج عليهم من عين في زاوية البيت وهو ينفخ رأسه من الماء، فقال: إنَّ الله رافعي إليه الساعة ومطهري من اليهود فأيكم يلقي عليه شبحي فيقتل ويصلب ويكون معي في درجتي؟ قال شاب منهم: أنا يا روح الله، قال: فأنت هُوَ ذا... ثم قال ع: إنَّ اليهود جاءت في طلب عيسى ع من ليلتهم... وأخذوا الشاب الذي ألقى عليه شبح عيسى ع فقتل وصلب) تفسير القمي: ج ١ ص ١٠٣.

در روایتی در تفسیر علی بن ابراهیم از ابو جعفر ع روایت شده است که فرمود: «عیسی ع در شبی که خداوند او را به سوی خودش بالا برد، شب‌هنگام یارانش را وعده گذاشت؛ در حالی که آنها دوازده مرد بودند. آنها را به خانه‌ای داخل کرد. سپس از چشمه‌ای که در کنج خانه بود، به سوی آنان آمد در حالی که بر سرش آب می‌ریخت و فرمود: خداوند در این ساعت مرا به سوی خودش بالا می‌برد و از یهود پاکم می‌گرداند. کدامین شما شبح من بر وی خواهد افتاد، کشته و به صلیب کشیده می‌شود و با من هم‌درجه می‌گردد؟ جوانی از بینشان گفت: من، ای روح خدا. فرمود: تو همانی.... سپس امام ع فرمود: یهود در همان شب در طلب عیسی ع آمدند.... و آن جوان که شبح

عیسی ع بر وی افتاده بود را گرفتند، کشتند و به صلیب کشیدند» (۴).

فالإمام الباقر ع يقول: (اجتمع اثنا عشر)، بينما الذين جاؤوا من الحواريين هم (أحد عشر)، فیهوذا لم یأت، بل ذهب إلى علماء اليهود لیسلم عیسی ع، وهذا من المتواترات التي لا تُنکر، فالثاني عشر الذي جاء أو قل الذي نزل من السماء، هو الوصي من آل محمد ﷺ، الذي صُلب وقُتل، بعد أن شُبّه بصورة عیسی ع.

امام باقر ع می فرماید: «دوازده نفر گرد آمدند» در حالی که آن تعداد از حواریون که آمده بودند «یازده تن» بودند و یهودا نیامده بود بلکه به نزد علمای یهود رفته بود تا عیسی ع را تسلیم کند؛ این از موارد متواتر است و قابل انکار نمی باشد. نفر دوازدهمی که آمد یا می توان گفت از آسمان نازل شد، یکی از اوصیا از آل محمد ع بود که پس از آنکه شبیه عیسی ع گردید، به صلیب کشیده و کشته شد.

وكانت آخر كلمات هذا الوصي عند صلبه هي: (إيليا، إيليا لما شبقتني)، وفي إنجيل متي: «... صرخ يسوع بصوت عظيم إيلي إيلي لما شبقتني أي إلهي، إلهي لماذا تركتني. فقوم من الواقفين هناك لما سمعوا، قالوا: إنه ينادي إيليا ... وأما الباكون فقالوا أترك لنرى هل يأتي إيليا يخلصه. فصرخ يسوع أيضاً بصوت عظيم وأسلم الروح. وإذا حجاب الهيكل قد انشق إلى اثنين من فوق إلى أسفل. والأرض تزلزلت والصخور تشققت ...» إنجيل متي -أصاح ٢٧، انتهى.

آخرین کلماتی که این وصی هنگام به صلیب کشیده شدنش بر زبان می راند «ایلیا، ایلیا، چرا ترکم نمودی» می باشد. در انجیل متی آمده است: «۴۶ یسوع به آواز بلند صدا زده گفت: ایلی ایلی لما شبقتنی؛ یعنی الهی الهی چرا مرا ترک کردی؟ ۴۷ برخی حاضران وقتی شنیدند گفتند او الیاس را می خواند... ۴۹ و دیگران گفتند: بگذار تا ببینیم آیا الیاس می آید تا او را

برهاند ۵۰ یسوع باز به آواز بلند صیحه زده، روح را تسلیم نمود. ۵۱ که ناگاه پرده‌ی هیكل از سر تا پا پاره شد و زمین متزلزل و سنگ‌ها شکافته گردید...» (۵).

والحقیقة، إنَّ ترجمة الكلمات التي قالها هكذا: (يا علي يا علي لماذا أنزلتني)، والنصارى يترجمونها هكذا (إلهي، إلهي لماذا تركتني) كما تبين لك من النص السابق من الإنجيل.

در حقیقت ترجمه‌ی کلماتی که بر زبان آورد چنین می‌باشد: «ای علی! ای علی! چرا مرا فرو فرستادی؟» و مسیحیان آن را به «الهی! الهی! چرا مرا ترک کردی؟» ترجمه می‌کنند، همان‌طور که از متن پیشین از انجیل چنین دریافت می‌شود.

والإنزال أو الإلقاء في الأرض من السماء قريب من الترك. ولم يقل هذا الوصي هذه الكلمات جهلاً منه بسبب الإنزال، أو اعتراضاً على أمر الله سبحانه وتعالى، بل هي سؤال يستبطن جوابه، وجّهه إلى الناس: أي افهموا واعرفوا لماذا نزلت ولماذا صُلبت، ولماذا قُلت، لكي لا تفشلوا في الامتحان مرة أخرى إذا أُعيد نفس السؤال، فإذا رأيتم الرومان (أو أشباههم) يحتلون الأرض، وعلماء اليهود (أو أشباههم) يداهنونهم، فسأكون في تلك الأرض، فهذه سنة الله التي تتكرر، فخذوا عبرتكم وانصروني إذا جنّت ولا تشاركوا مرة أخرى في صلبي وقتلي.

و فرو فرستادن یا انداختن از آسمان به زمین، نزدیک به «ترک کردن» می‌باشد.

این وصی این کلمات را به دلیل جهلش نسبت به علت فرو فرستاده شدنش یا از روی اعتراض بر فرمان خداوند سبحان و متعال نگفت بلکه این پرسشی است که پاسخ را در بطن خود نهان دارد و خطابش به مردم می‌باشد؛ یعنی بدانید و آگاه باشید که چرا من فرو فرستاده شدم، چرا به دار آویخته شدم و چرا کشته شدم تا مبادا یک بار دیگر که همین سوال تکرار شد، در امتحان شکست بخورید؛ آنگاه که دیدید رومیان (یا همانندهای

آنان) زمین را به اشغال خود درآوردند و علمای یهود (یا همانندهای آنان) با آنها سازش می‌کنند و من بر این زمین خواهم بود و این سنت الهی است که تکرار می‌شود، عبرت بگیرید و مرا وقتی آدم یاری کنید و بار دیگر در به دار آویختن و به قتل رسانیدنم مشارکت نکنید!

كان يريد أن يقول في جواب السؤال البين لكل عاقل نقى الفطرة: صُلبت وتحملت العذاب وإهانات علماء اليهود، وقُتلت لأجل القيامة الصغرى، قيامة الإمام المهدي ع، ودولة الحق والعدل الإلهي على هذه الأرض.

او می‌خواهد با این پرسش که برای هر عاقل پاک‌سرشتی پاسخ روشن است، بگوید: من به صلیب کشیده شدم و آزار و اهانت‌های علمای یهود را تحمل کردم و کشته شدم به خاطر قیامت صغری، قیامت امام مهدی ع و دولت حق و عدل الهی بر روی این زمین.

وهذا الوصي عندما سأله علماء اليهود والحاكم الروماني: هل أنت ملك اليهود؟ كان يجيب: أنت قلت، أو هم يقولون، أو أنتم تقولون، ولم يقل نعم، جواب غريب على من يجهل الحقيقة، ولكنه الآن توضّح.

و هنگامی که علمای یهود و حاکم رومی از این وصی می‌پرسد: آیا تو پادشاه یهود هستی؟ در پاسخ می‌گوید: تو اینطور گفتی، یا آنها می‌گویند، یا شما می‌گویید. او نمی‌گوید آری؛ که برای کسی که حقیقت را نداند پاسخی است غریب و شگفت‌آور؛ اما اکنون آشکار و واضح گردید.

فلم يقل: نعم، لأنه ليس هو ملك اليهود بل عيسى ع الذي رفعه الله، وهو الشبيه الذي نزل ليُصلب ويُقتل بدلاً عن عيسى ع.

او نگفت: آری، زیرا او پادشاه یهود نبود بلکه پادشاه یهود، عیسی ع بود که خداوند او را بالا برد و او شبیه همان کسی است که فرود آمد تا به جای عیسی ع مصلوب و به قتل رسیده شود.

وهذا نص جوابه - بعد أن أُلقيَ عليه القبض - من الإنجيل:

این متن پاسخ او از انجیل پس از آنکه دستگیر شد - می باشد:

«فأجاب رئيس الكهنة وقال له استحلّفتك بالله الحي أن تقول لنا هل أنت المسيح، قال له يسوع: أنت قلت ..» إنجيل متى - إصحاح ٢٦.

«٦٣ ... رئيس كهنة روی به وی کرده، گفت: تو را به خدای حیّ قسم می دهم ما را بگو که آیا تو مسیح هستی؟ ٦٤ يسوع به وی گفت: تو می گویی...»،^(٦)

«.. فوقف يسوع أمام الوالي فسأله الوالي قائلاً أأنت ملك اليهود فقال له يسوع: أنت تقول ..» إنجيل متى - إصحاح ٢٧.

«١١ عیسی در حضور والی ایستاده بود. پس والی از او پرسیده، گفت: آیا تو پادشاه یهود هستی؟ عیسی به او گفت: تو می گویی!...»،^(٧)

«.. فسأله بيلاطس أنت ملك اليهود فأجاب وقال له أنت تقول ..» إنجيل مرقس - إصحاح ١٥.

«... ٢ بيلاطس از او پرسید: تو پادشاه یهود هستی؟ او پاسخ داد و به او گفت: تو می گویی...»،^(٨)

«.. فقال الجميع أفأنت المسيح فقال لهم انتم تقولون إني أنا هو ..» إنجيل لوقا - إصحاح ٢٢.

«... همگان گفتند: آیا تو مسیح هستی؟ مسیح به آنها گفت: شما می گوید که من او هستم...»،^(٩)

٦- انجيل متى: اصحاح ٢٦.

٧- انجيل متى: ٢٧.

٨- انجيل مرقس: ١٥.

٩- انجيل لوقا: اصحاح ٢٢.

«.. 33 ثم دخل بيلاطس أيضاً إلى دار الولاية ودعا يسوع، وقال له أنت ملك اليهود. 34 أجابه يسوع أمن ذاتك تقول هذا أم آخرون قالوا لك عني. 35 أجابه بيلاطس ألعلي أنا يهودي. أمتك ورؤساء الكهنة أسلموك إلي. ماذا فعلت. 36 أجاب يسوع مملكتي ليست من هذا العالم. لو كانت مملكتي من هذا العالم لكان خدامي يجاهدون لكي لا أسلم إلى اليهود. ولكن الآن ليست مملكتي من هنا. 37 فقال له بيلاطس أفأنت إذا مَلِك. أجاب يسوع أنت تقول إنني ملك. لهذا قد ولدت أنا، ولهذا قد أتيت إلى العالم لأشهد للحق ..» إنجيل يوحنا - إصحاح ١٨.

«... ٣٣ پس پيلاطس دوباره داخل ايوان خانه شد و عيسى را طلبيده، به او گفت: آيا تو پادشاه يهود هستی؟ ٣٤ عيسى به او جواب داد: آيا تو اين را از خود می گویی يا ديگران دربارہی من به تو گفتند؟ ٣٥ پيلاطس جواب داد: مگر من يهودی هستم؟ امت تو و رؤسای كهنه تو را به من تسليم كردند. چه کرده‌ای؟ ٣٦ عيسى پاسخ داد: پادشاهی من متعلق به اين دنيا نيست. اگر پادشاهی من از اين جهان می بود، خادمان من می جنگيدند تا به يهود تسليم نشوم. ولی اکنون پادشاهی من از اين جهان نيست. ٣٧ پيلاطس به او گفت: مگر تو پادشاه هستی؟ عيسى جواب داد: تو می گویی كه پادشاه هستم. برای اين من متولد شدم و به اين جهت به اين جهان آمدم تا به راستی شهادت دهم...» (١٠)

وفي هذا النص الأخير بيّن الوصي أنه ليس من أهل الأرض في ذلك الزمان، بل نزل إليها لإنجاز مهمة وهي فداء عيسى ع، حيث ترى أنّ هذا الوصي يقول: «مملكتي ليست من هذا العالم»، «ولكن الآن ليست مملكتي من هنا»، «ولهذا قد أتيت إلى العالم لأشهد للحق».

در این متن اخیر، وصی روشن می سازد که از اهل زمین در آن زمان نیست

بلکه برای انجام مأموریتی در آن فرود آمده است و آن، فدا شدن برای حضرت عیسی ع می‌باشد، و شما می‌بینی که این وصی می‌گوید: «پادشاهی من متعلق به این دنیا نیست»، «ولی اکنون پادشاهی من از این جهان نیست» و «و به این جهت به این جهان آدمم تا به راستی شهادت دهم».

عن رسول الله ﷺ: (قال ينزل عيسى ابن مريم ع عند انفجار الصبح ما بين مهرودين وهما ثوبان أصفران من الزعفران، أبيض الجسم، أصهب الرأس، أفرق الشعر، كأن رأسه يقطر دهنًا، بيده حربة، يكسر الصليب ويقتل الخنزير ويهلك الدجال ويقبض أموال القائم ويمشي خلفه أهل الكهف، وهو الوزير الأيمن للقائم وحاجبه ونائبه، ويبسط في المغرب والمشرق الأمن من كرامة الحجة بن الحسن ع) (11).

از رسول خدا ﷺ روایت است: «عیسی ع در هنگام شکافته شدن صبح میان دو جامه‌ی زرد فرود می‌آید؛ دو لباس زرد رنگ از زعفران؛ بدنش سفید، موی سرخ و بور و فرق وسطش باز شده و بر سرش روغن زده است. نیزه‌ای در دست دارد که صلیب را می‌شکند، خوک را می‌کشد و دجال را به هلاکت می‌رساند و اموال قائم را باز می‌ستاند. پشت سر او اصحاب کهف قرار دارند. او وزیر و دست راست قائم و پرده‌دار و نایب او است و از کرامت حجت بن الحسن ع در شرق و غرب عالم امنیت را برقرار می‌سازد» (۱۲).

وعن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ع: (.. ويعود دار الملك إلى الزوراء وتصير الأمور شورى من غلب على شيء فعله، فعند ذلك خروج السفيناني فيركب في الأرض تسعة أشهر يسومهم سوء العذاب فويل لمصر وويل للزوراء وويل للكوفة والويل لواسط كأني انظر إلى واسط وما فيها مخبر يخبر، وعند ذلك خروج السفيناني، ويقل الطعام ويقحط الناس ويقل المطر، فلا أرض تنبت ولا سماء

11. غاية المرام - السيد هاشم البحراني: ج 7 ص 93.

12- غاية المرام - سيد هاشم بحرانی: ج 7 ص 93.

تنزل، ثم يخرج المهدي الهادي المهدي الذي يأخذ الراية من يد عيسى بن مريم ..» (13).

از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ع روایت شده است که فرمود: «... و حکومت به زورا باز می‌گردد و امور، شورایی می‌شود و هر که بر هر چه غالب شود، همان کند. در آن هنگام سفیانی خارج می‌شود و نه ماه در زمین سوار می‌شود و آنها را عذابی دردناک می‌چشانند. پس وای بر مصر، وای بر زورا، وای بر کوفه و وای بر واسط! گویا من به واسط و آنچه در آن است، می‌نگرم؛ در آن، خبر دهنده‌ای خبر می‌دهد. آری در آن هنگام سفیانی خروج می‌کند، غذا کم می‌شود، مردم دچار قحطی می‌شوند، باران کم می‌بارد، گیاهی در زمین نمی‌روید و آسمان نمی‌بارد. سپس مهدی هدایتگر هدایت شده خارج می‌شود؛ کسی که پرچم را از دست عیسی بن مريم ع می‌ستاند...» (۱۴).

وتوجد أحاديث كثيرة تدل على أن عيسى ع لم يُصلب ولم يُقتل، بل الذي صلب وقتل هو شبيه عيسى ع.

احادیث بسیاری یافت می‌شود که نشان می‌دهد عیسی ع به صلیب کشیده و کشته نشد بلکه کسی که بر صلیب رفت و کشته شد، شبیه عیسی ع می‌باشد.

عن أبي عبد الله ع، قال: (رفع عيسى ابن مريم ع بمدرعة من صوف من غزل مريم ومن خياطة مريم، فلما انتهى إلى السماء نودي يا عيسى بن مريم ألق عنك زينة الدنيا) (15).

از امام صادق ع روایت شده است که فرمود: «عیسی ع با لباسی از پشم که مريم ع ریسیده و دوخته بود صعود کرد. آنگاه که به آسمان رسید ندا آمد: ای عیسی بن مريم! زینت دنیا را بیفکن.» (۱۶)

13. الملاحم والفتن - السيد بن طاووس الحسني: ص 134.

14- ملاحم و الفتن - سيد بن طاووس حسني: ص 134.

15. بحار الأنوار: ج 14 ص 338.

16- بحار الانوار: ج 14 ص 338.

وعن الرضا ع، قال: (ما شُبِّهَ أمر أحد من أنبياء الله وحججه ﷺ للناس إلا أمر عيسى بن مريم ع وحده، لأنه رفع من الأرض حياً وقُبض روحه بين السماء والأرض، ثم رفع إلى السماء وردَّ إليه روحه وذلك قوله عز وجل: ﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ خُذْ هَذَا الصُّلْبَ مِنْهُ وَارْفَعْكَ إِلَيَّ﴾ آل عمران: 55) (17).

امام رضا ع می‌فرماید: «امر هیچ کدام از انبیای الهی و حجت‌هایش برای مردم شبه‌آور نشد مگر امر عیسی بن مریم ع؛ چرا که او زنده به آسمان رفت و روحش بین زمین و آسمان قبض شد. سپس به آسمان بالا رفت و روحش به او بازگشت و این، سخن خداوند عزوجل می‌باشد: (إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ خُذْ هَذَا الصُّلْبَ مِنْهُ وَارْفَعْكَ إِلَيَّ) (۱۸) (آنگاه که خداوند گفت: ای عیسی! من تو را برگرفته، به سوی خود بالا می‌برم)». (۱۹)

وعن النبي ﷺ، قال: (عيسى ع لم يمتم وإنه راجع إليكم قبل يوم القيامة) (20).

از پیامبر ﷺ روایت شده است که فرمود: «عیسی ع نمرده و پیش از قیامت به سوی شما بازمی‌گردد». (۲۱)

والتفت إلى أن عيسى نبي مرسل، وقد طلب من الله سبحانه وتعالى أن يُعفى ويُصرف عنه الصلب والعذاب والقتل، والله سبحانه وتعالى لا يرد دعاء نبي مرسل، فالله استجاب له ورفعهُ وأنزل الوصي الذي صُلب وقُتل بدلاً عنه، وفي الإنجيل عدة نصوص فيها دعاء عيسى ع بأن يُصرف عنه الصلب والقتل.

توجه داشته باشید که عیسی ع پیامبر مرسل (فرستاده شده) است و از

17. قصص الأنبياء للجزائري: ص 474، نقلاً عن عيون الأخبار .

18- آل عمران: 55.

19- قصص الانبياء جزائري: ص 474 نقل شده از عيون اخبار.

20. بحار الأنوار: ج 14 ص 344.

21- بحار الانوار: ج 14 ص 344.

خداوند سبحان و متعال درخواست می‌نماید که معاف شود و به دار آویخته شدن و عذاب و قتل از او برداشته شود. خداوند سبحان و متعال دعای پیامبر مرسل را هرگز رد نمی‌کند. بنابراین خداوند دعایش را مستجاب نمود، او را بالا برد و به جای او، آن وصی که مصلوب و مقتول شد را فرو فرستاد. در انجیل متن‌های مختلفی وجود دارد که در آنها عیسی ع دعا می‌کند که به صلب کشیده شدن و قتل از او برداشته شود.

وهي: «... ثم تقدم قليلاً وخر على وجهه وکان يصلي قائلاً يا أبتاه إن أمكن فلتعبر عني هذه الكأس ...» متی: ۲۶.

از جمله‌ی آنها:

«... ۳۹ سپس قدری پیش رفته، به روی زمین در افتاده و دعا می‌کرد، در حالی که می‌گفت: ای پدر، اگر ممکن باشد این پیاله را از من بگذران...» (۲۲)

«... ثم تقدم قليلاً وخر على الأرض وکان يصلي لكي تعبر عنه الساعة إن أمكن * وقال يا أبا الآب كل شيءٍ مستطاع لك فاجز عني هذه الكأس ...» مرقس: ۱۴.

«... ۳۵ و قدری پیش‌تر رفته، به روی زمین افتاد و دعا کرد تا اگر ممکن باشد آن ساعت از او بگذرد ۳۶ پس گفت: ای پدرِ پدران، هر چیزی برای تو امکان‌پذیر است. این پیاله را از من بگذران...» (۲۳)

«... وانفصل عنهم نحو رمية حجر وجثا على ركبتيه وصى * قائلاً يا أبتاه إن شئت أن تُجز عني هذه الكأس ...» لوقا: ۲۲.

«... ۴۱ و از ایشان به مسافت پرتاب سنگی دور شده، به زانو درآمد و دعا کرده ۴۲ گفت: ای پدر، اگر تو بخواهی این پیاله را از من بگردان...» (۲۴)

۲۲- متی: ۲۶.

۲۳- مرقس: ۱۴.

۲۴- لوقا: ۲۲.

وفي التوراة - سفر إشعيا، وفي الإنجيل أعمال الرسل -
الإصحاح الثامن هذا النص: «.. مثل شاة سيق إلى الذبح، ومثل
خروف صامت أمام الذي يجزره هكذا لم يفتح فاه ..».

در تورات سفر اشعيا و در اعمال رسولان اصحاب هشتم چنین متنی دیده می شود: «... همانند بره‌ای به سوی قربان‌گاه و همانند گوسفندی ساکت و آرام در حضور کسی که ذبحش می کند، اینگونه دهانش را نمی گشاید...».

وكل الأنبياء والأوصياء المرسلين تكلموا، لم يذهب أحد منهم
صامتاً إلى الذبح، بل هم أرسلوا ليتكلموا ويُبكتوا ويعظوا الناس،
وعيسى ع بالخصوص كم بكت العلماء والناس، وكم وعظهم فلا
يصدق عليه أنه ذهب إلى الذبح صامتاً.

این در حالی است که تمامی انبیا و اوصیا سخن می گفتند و هیچ یک از آنها ساکت و خاموش به قربانگاه نرفتند؛ آنها فرستاده شدند تا سخن بگویند و مردم را هشدار دهند و موعظه کنند؛ مخصوصاً حضرت عیسی ع چه بسیار علما و مردم را هشدار و اندرز داد؛ بنابراین اینکه وی خاموش به قربانگاه رفت بر او صدق نمی کند!

بل هذا الذي ذهب إلى الذبح صامتاً هو الوصي (شبيهه
عيسى) الذي صُلب وقُتل دون أن يتكلم، أو يطلب من الله أن
يُصرف عنه العذاب والصلب والقتل، ودون أن يتكلم مع الناس. بل
إذا ألحوا عليه وسألوه بالحاح من أنت، هل أنت المسيح، لم يكن
يجيبهم إلا بكلمة، أنت قلت.

آن کس که ساکت و خاموش به قربانگاه رفت، شخص وصی یعنی شبیهه عیسی بود که بدون اینکه سخنی بگوید یا از خدا بخواهد آزار و به صلیب کشیده شدن و قتل را از او دور کند، بر دار رفت و کشته شد. او با مردم سخن نگفت و هنگامی که به او اصرار کردند و مصرانه از او پرسیدند تو کیستی، و آیا تو مسیح هستی، فقط با یک عبارت پاسخ آنها را داد: تو می گویی!

وهكذا ذهب إلى العذاب والصلب والقتل صامتاً راضياً بأمر الله، منفذاً لما أنزل له، وهو أن يُصلب ويُقتل بدلاً من عيسى ع.

و به این ترتیب او ساکت و خاموش و راضی به امر خدا، به سوی عذاب و به صلیب کشیده شدن و کشته شدن رفت تا فرمانی را که برای آن فرود آمده بود به انجام برساند؛ اینکه به جای حضرت عیسی ع بر دار و کشته شود.

ولأنه أصلاً لم يكن وقته قد حان ليُرسَل ويُبَلِّغ الناس ويتكلم معهم، ذهب هكذا مثل شاة سيق إلى الذبح، مثل خروف صامت أمام الذي يجزره هكذا لم يفتح فاه.

چرا که اساساً هنوز وقت آن نرسیده بود که او ارسال شود و مردم را تبلیغ نماید و با ایشان سخن بگوید؛ «... همانند بره‌ای به سوی قربان‌گاه و همانند گوسفندی ساکت و آرام در حضور کسی که ذبحش می‌کند، اینگونه دهانش را نمی‌گشاید...».

أرجو أن يستفيد كل مؤمن يريد معرفة الحقيقة من هذا الموقف، فهذا الإنسان نزل إلى الأرض، وُصِّلَ وقُتِلَ ولا أحد يعرف، لم يطلب أن يُذكر أو أن يُعرف، نزل صامتاً، وُصِّلَ صامتاً، وقُتِلَ صامتاً، وصعد إلى ربه صامتاً، هكذا إن أردتم أن تكونوا فكونوا).

امیدوارم هر مؤمنی که در پی درک و شناخت حقیقت است، از این مطلب بهره‌مند گردد. این انسان به زمین فرود آمد، به صلیب کشیده شد، کشته شد در حالی که هیچ کس نمی‌داند، او نخواست که از او یاد شود یا شناخته گردد. ساکت و خاموش پایین آمد، خاموش بر دار رفت، خاموش کشته شد و خاموش به سوی پروردگارش بالا رفت. اگر می‌خواهید اینگونه عمل کنید، چنین باشید.

